

ارزیابی ریسک‌های جهانی در دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۰

این گزارش گزیده ترجمه‌ای از گزارش مجمع جهانی
اقتصاد است که در ژانویه ۲۰۱۱ تهیه شده و در وبگاه
رسمی آن به آدرس
www.weforum.org قرار گرفته است.

کد موضوعی: ۲۲۰

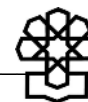
شماره مسلسل: ۱۲۳۳۵

فروردین‌ماه ۱۳۹۱

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۴	مقدمه
۷	۱- ریسک‌های درجه یک، ریسک‌های دارای ارتباط متقابل
۷	۱-۱- نابرابری اقتصادی و چندپارگی اجتماعی
۸	۱-۲- شکست در مدیریت مسائل جهانی
۹	۲- ریسک‌های درجه دو، ریسک‌هایی قابل توجه
۹	۲-۱- حلقه عدم تعادل‌های اقتصاد کلان
۱۵	۲-۲- حلقه اقتصاد غیرقانونی
۱۹	۲-۳- حلقه آب، غذا و انرژی
۲۲	۳- ریسک‌های درجه سه، ریسک‌هایی جهت ملاحظه
۲۳	۳-۱- امنیت سایبری
۲۴	۳-۲- چالش‌های جمعیتی
۲۵	۳-۳- امنیت منابع
۲۶	۳-۴- عقب‌نشینی از جهانی‌سازی
۲۶	۳-۵- سلاح‌های کشتار جمعی
۲۷	نتیجه‌گیری
۲۹	پیوست‌ها
۳۳	منبع و مأخذ



ارزیابی ریسک‌های جهانی در دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۰

چکیده

جهان در وضعیتی است که توان تحمل شوک‌هایی جدید ندارد. بحران مالی ثبات جهان را برهم زده و تنش‌های فزاینده ژئوپالیسیک و دیگر معضلات اجتماعی در سطح جهان به چشم می‌خورد. وخامت اوضاع به حدی است که می‌توان گفت که دولت‌ها و ملت‌ها در ضعیف‌ترین وضعیت خود تاکنون برای مقابله با این چالش‌ها قرار دارند. علاوه بر این، گزارش حاضر نشان می‌دهد که جهان با ریسک‌های بزرگ‌تر و مهم‌تری نیز در آینده روبرو خواهد شد. در این گزارش با استفاده از نظرات متخصصین ریسک، مدیران تجاری و سیاستگذاران، ریسک‌های جهانی از سه بعد «احتمال وقوع»، «میزان اثرگذاری» و «ارتباط متقابل با یکدیگر» ارزیابی شده‌اند.

ریسک‌های درجه یک، ریسک‌های به هم مرتبط^۱

دو ریسک وجود دارد که با توجه به درجه اثرگذاری‌شان و ارتباط متقابلشان با یکدیگر از همه ریسک‌ها مهم‌ترند. «نابرابری اقتصادی» و «شکست در مدیریت جهان»^۲ نابرابری شامل نابرابری در ثروت و درآمد در درون کشورها و بین کشورها می‌شود و شکست در مدیریت جهان عبارت است از نهادها، شبکه‌ها و توافقات جهانی ضعیف یا ناکافی. این دو ریسک باعث تکامل ریسک‌های دیگر شده ضمن آنکه مانع می‌شوند واکنش مناسبی به ریسک‌های موجود شکل گیرد.

بدین ترتیب ما با پارادوکس قرن ۲۱ مواجهیم که عبارت است از: هرچه کشورهای جهان بیشتر با هم رشد می‌کنند بیشتر از یکدیگر فاصله می‌گیرند.

جهانی‌سازی یک رشد پایدار برای جهان ایجاد کرده و وابستگی میان کشورها را تقویت کرده است. با این حال به نظر می‌رسد همه کشورها از منافع آن به تناسب بهره‌مند نشده‌اند. هرچند به نظر

۱. در گزارش از اصطلاح cross-cutting برای این ریسک‌ها استفاده شده که در اصل از هنر فیلمسازی گرفته شده است. بدین معنا که کارگردان در هنگام پخش یک صحنه (که معمولاً صحنه یک خشونت است) آن را قطع کرده و صحنه‌ای دیگر از یک حادثه دیگر از فیلم را نشان می‌دهد. معمولاً علت این کار معلق نگه داشتن ذهن بیننده و ایجاد حالت عدم تصمیم است. شاید بتوان گفت علت استفاده از این اصطلاح برای این دو ریسک این است که هنگام بررسی یکی از آنها، ریسک دیگر به ذهن می‌آید و به دلیل ارتباط بسیار بالا، نمی‌توان هر کدام را بدون دیگری مورد توجه قرار داد.

می‌رسد که رشد اقتصادهای نوظهور، ساختار توزیع قدرت در جهان را تغییر می‌دهد با این حال شواهدی وجود دارد که نابرابری میان کشورها در حال افزایش است. اهمیت مسائل مربوط به نابرابری چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌الملل دائماً رو به افزایش است. شواهدی وجود دارد که از لحاظ سیاسی، جریان‌های ملی‌گرایی، پوپولیسم و چندپارگی‌های اجتماعی مجدداً در حال بروز هستند (به عبارت دیگر دستاوردهای جهانی‌سازی در حال از بین رفتن است). همچنین اختلاف نظری میان کشورها بر سر چگونگی دستیابی به رشد پایدار و فراگیر در حال افزایش است.

برای مواجهه با این چالش‌ها باید مدیریت مسائل جهانی را ارتقا داد و اینجاست که به پارادوکس دیگری در قرن ۲۱ مواجه می‌شویم: مؤلفه‌هایی که ارتقای مدیریت جهانی را ضروری می‌سازند دقیقاً همان مؤلفه‌هایی هستند که این ارتقا را پیچیده‌تر و سخت‌تر می‌کنند. مؤلفه‌هایی مانند منافع واگرا، انگیزه‌های متعارض و ارزش‌ها و نرم‌های مختلف.

به همین دلیل است که مذاکرات سازمان تجارت جهانی در دوحه قطر با شکست مواجه می‌شود و در کنفرانس تغییرات آب و هوایی در کپنهاگ دانمارک نیز توافق جهانی کافی به دست نمی‌آید. برخلاف این دو نمونه، به نظر می‌رسد گروه جی بیست به عنوان یکی از نمونه‌های موفق در عرصه مدیریت مسائل جهانی بتواند موفق شود اما هنوز نتوانسته این را به اثبات برساند.

ریسک‌های درجه دو، ریسک‌های قابل توجه^۱

علاوه بر دو ریسک ذکر شده در بخش قبل، سه گروه ریسک مهم دیگر در این گزارش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند:

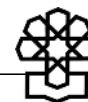
● حلقه عدم تعادل‌های اقتصاد کلان

این گروه شامل «عدم تعادل‌های اقتصاد کلان»، «نوسانات نرخ ارز»، «سقوط ارزش دارایی‌ها» و «بحران مالی» می‌باشد. علت این ریسک‌ها نیز عبارت است از: ثروت و اثرگذاری بین‌المللی اقتصادهای در حال ظهور رو به رشد است و در همین زمان بدهی‌های اقتصادهای پیشرفته نیز در حال افزایش است. همین مسئله موجب ایجاد تنش و بروز چنین ریسک‌هایی شده است.

عدم تعادل‌ها در پس‌اندازها و تجارت در درون کشورها و میان کشورها بسیار ناپایدار بوده و تعهدات بدون پشتوانه نیز فشار سنگین و بلندمدت شدیدی را بر دوش بخش مالی گذاشته است.

یک راه برای برون‌رفت از این بحران‌ها، آغاز یک حرکت بین‌المللی و هماهنگ است که باید گفت به دلیل تضاد میان منافع کشورها عملاً امکان‌پذیر نیست.

۱. در گزارش از عبارت In Focus برای این ریسک‌ها استفاده شده است که به معنای لزوم تمرکز بر این ریسک‌هاست.



• حلقه اقتصاد غیرقانونی (زیرزمینی)

این حلقه شامل ریسک‌هایی همچون «فساد اقتصادی»، «تجارت غیرقانونی»، «شکنندگی حکومت‌ها» و «جرائم سازمان‌یافته» می‌باشد.

وقتی که جهان به‌صورت یک شبکه درآمده و دولت‌ها ضعیف و شکست خورده هستند و نابرابری‌های اقتصادی نیز وجود دارد، طبعاً، فضا برای این نوع جرائم نیز آماده می‌شود. براساس تخمینی که در سال ۲۰۰۹ به‌عمل آمده حجم تجارت غیرقانونی در کل دنیا به حدود ۳۰۰٫۱ میلیارد دلار رسیده که درحال افزایش نیز می‌باشد. این ریسک‌ها نه تنها باعث می‌شوند که هزینه انجام فعالیت‌های اقتصادی سالم بالا رود، بلکه باعث تضعیف دولت‌ها شده و به تهدیدی برای توسعه تبدیل می‌شوند. به‌علاوه باعث تضعیف قواعد حاکم بر جامعه شده و کشورها را در چرخه فقر و بی‌ثباتی نگاه می‌دارند. در این زمینه نیز همکاری‌های بین‌المللی چه در طرف عرضه و چه در طرف تقاضا ضروری است.

• حلقه آب، غذا و انرژی

رشد سریع جمعیت و توسعه اقتصادی فشار مضاعفی را بر منابع جهان وارد آورده است. پیش‌بینی می‌شود که مصرف آب، غذا و انرژی طی بیست سال آینده بین ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یابد. این درحالی است که نابرابری‌های اقتصادی باعث می‌شود واکنش‌های کوتاه‌مدتی در حوزه تولید و مصرف ایجاد شود که پایداری بلندمدت را به خطر می‌اندازد.

کمبود در آب، غذا و انرژی باعث ایجاد تعارض‌های ژئوپالیتیک، بی‌ثباتی سیاسی و خسارت‌های جبران‌ناپذیر زیست‌محیطی می‌شود.

هر راهبردی نیز که برای مواجهه با یکی از ریسک‌های حلقه آب، غذا و انرژی بدون توجه به روابط بین‌بخشی آنها انجام شود باعث ایجاد عواقب ناخواسته‌ای خواهد شد.

ریسک‌های درجه سه، ریسک‌هایی جهت ملاحظه^۱

این ریسک‌ها را در رتبه اهمیت پایین‌تری قرار دادیم، چراکه پاسخ‌های متخصصان مشارکت‌کننده در این مطالعه درباره این ریسک‌ها دارای واریانس بالا و درجه اطمینان پایینی بود و البته آنها این ریسک‌ها را دارای عواقب جدی، غیرقابل پیش‌بینی و ناخوشایند توصیف کرده‌اند.

۱. در گزارش از عبارت to watch برای این ریسک‌ها استفاده شده است که به معنای لزوم مراقبت در مورد این ریسک‌هاست.

● امنیت سایبری

این ریسک شامل طیف وسیعی از ریسک‌ها شامل گسترش سریع سرقت سایبری تا جنگ تمام‌عیار سایبری (هرچند که احتمال آن پایین ارزیابی می‌شود) می‌گردد.

● چالش‌های دموگرافیک (جمعیتی)

این ریسک در اقتصادهای توسعه‌یافته در کنار بحران مالی باعث ایجاد خطر می‌شود و در اقتصادهای درحال ظهور نیز منجر به بی‌ثباتی اجتماعی می‌گردد.

● امنیت منابع

این ریسک در صورتی که عرضه نتواند پا به پای تقاضا حرکت کند باعث نوسان شدید و افزایش دائمی قیمت کالاها و انرژی در بلندمدت می‌شود.

● عقب‌نشینی از جهانی‌سازی

در صورتی که اقتصادهای درحال ظهور نقش رهبری را در جهان به‌عهده نگیرند، به دلیل رویکردهای پوپولیستی به حل مسئله نابرابری اقتصادی، مجبور به عقب‌نشینی از جهانی‌سازی خواهند شد.

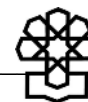
● سلاح‌های کشتار جمعی

این ریسک زمانی مهم می‌شود که گسترش سلاح‌های اتمی میان کشورها مجدداً رایج شود. واکنش مؤثر به ریسک تنها تلاش پیش‌دستانه برای کاهش آثار ریسک‌های جهانی نیست، بلکه باید علاوه بر آن از فرصت‌های پیش آمده نیز برای نوآوری و رشد استفاده کرد. در این گزارش سعی شده است راهبردهایی که هر دو هدف را محقق می‌کنند ارائه شوند.

مقدمه

مجمع جهانی اقتصاد پروژه‌ای تحت عنوان «شبکه واکنش به ریسک»^۱ را در دست اجرا دارد که یکی از خروجی‌های مهم این پروژه، گزارش حاضر یعنی گزارش ریسک‌های جهانی است.

«شبکه واکنش به ریسک» به تصمیم‌گیرانی که در سطوح جهانی فعالیت می‌کنند این امکان را می‌دهد که ریسک‌های پیچیده و به هم وابسته را درک کرده، آنها را مدیریت کنند و به آنها پاسخ مناسب بدهند. این گزارش به مدیران سازمان‌های مدنی، دولت‌ها و شرکت‌ها کمک می‌کند اثرات تخریبی ریسک‌ها را کاهش دهند و از فرصت‌های ایجاد شده مرتبط بهره ببرند.

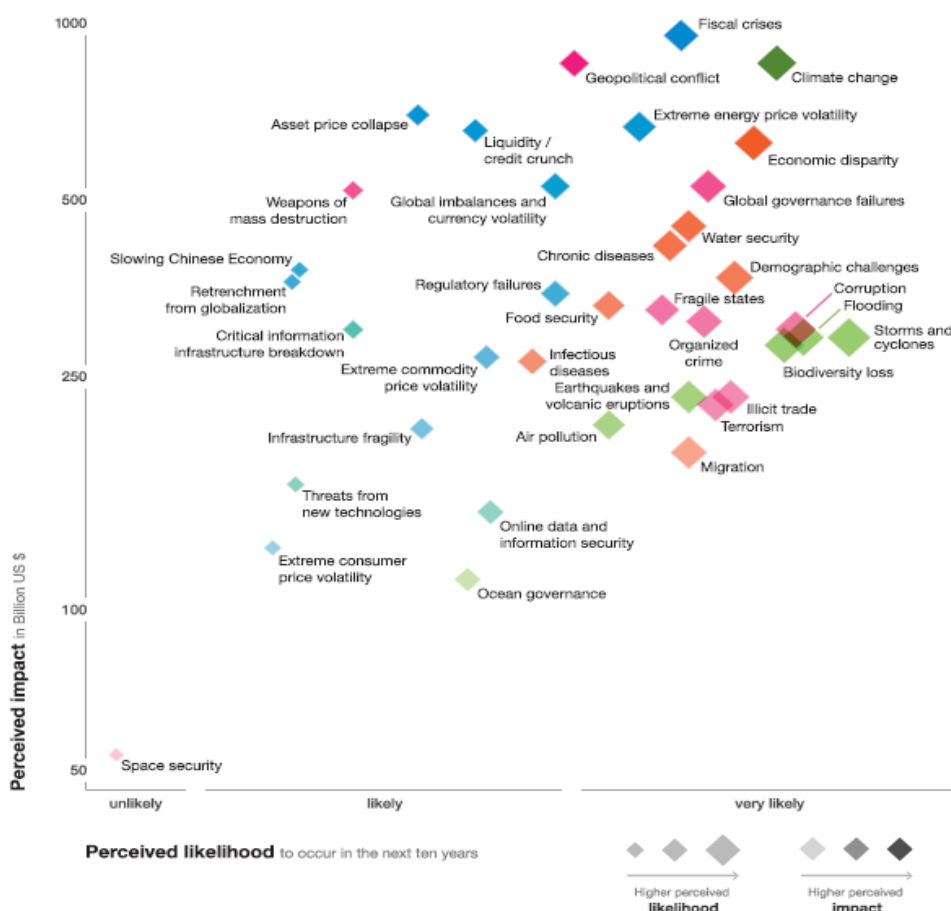


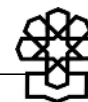
برای تهیه این گزارش از دیدگاه‌های ارزشمند متخصصان فعال در بخش خصوصی، دانشگاه‌های معتبر و شرکت‌های بزرگ که با مجمع جهانی اقتصاد ارتباط دارند استفاده شده است. از نقاط قوت این گزارش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

به جای تمرکز بر نشانه‌ها و عوارض ریسک‌ها بر علل ایجاد ریسک‌ها تمرکز کرده است. با توجه به افزایش ارتباطات متقابل میان ریسک‌ها و خطرات ناشی از آنها، راهبردهایی هماهنگ جهت واکنش به ریسک‌ها ارائه می‌کند.

با رویکردی بلندمدت به ارزیابی ریسک‌ها و راهبردهای واکنش به آنها پرداخته است. به‌خصوص زمانی که از ریسک‌های جهانی که طی دهه‌های متمادی ایجاد شده‌اند و نه یک سال یا چند ماه بحث می‌شود، اهمیت این موضوع افزایش می‌یابد.

شکل ۱. درجه احتمال و اثرگذاری ریسک‌های جهانی





۱. ریسک‌های درجه یک، ریسک‌های دارای ارتباط متقابل

این دو ریسک (نابرابری اقتصادی و شکست در مدیریت مسائل جهانی) هنگام تهیه گزارش ریسک‌های جهانی در سال ۲۰۱۰ مورد توجه قرار گرفتند. در آن گزارش این نتیجه به دست آمد که این دو ریسک بالاترین ارتباط متقابل را با یکدیگر دارند و احتمال وقوع و اثرگذاری‌شان نیز بسیار بالاست. علت این مسئله این است که این ریسک‌ها شدت و احتمال وقوع سایر ریسک‌ها را افزایش می‌دهند و دیگر اینکه مانع واکنش مؤثر به ریسک‌ها می‌شوند.

۱-۱. نابرابری اقتصادی و چندپارگی اجتماعی

تعریف: نابرابری در درآمد و ثروت در درون یک کشور و در بین کشورها باعث تهدید ثبات اجتماعی، سیاسی و توسعه اقتصادی می‌شود.

نابرابری اقتصادی یکی از مهمترین ریسک‌ها در دهه آینده است. به علاوه این ریسک دومین ریسک از نظر تأثیرگذاری بر فضای تجارت است. همچنین این ریسک از این منظر که آثارش کمتر از واقع تخمین زده شده باشد در مقام اول قرار دارد.

نابرابری اقتصادی ارتباط متقابل زیادی با ریسک‌های زیر دارد:

فساد اقتصادی، تجارت غیرقانونی، حکومت‌های شکننده، چالش‌های دموگرافیک، عدم تعادل‌های جهانی و سقوط ارزش دارایی‌ها.

نابرابری اقتصادی بر ریسک‌های زیر اثر می‌گذارد:

بیماری‌های مزمن، بیماری‌های عفونی، تجارت غیرقانونی، عدم امنیت غذا، تروریسم، مهاجرت و سلاح‌های کشتار جمعی.

نابرابری اقتصادی از ریسک‌های زیر تأثیر می‌پذیرد:

تغییرات آب و هوایی و شکست مدیریت مسائل جهانی.

نابرابری اقتصادی و تضادهای ژئوپولیتیک یکدیگر را تقویت می‌کنند. نابرابری اقتصادی تنها محدود به مرزهای یک کشور نمی‌شود بلکه موضوعی بین کشوری هم هست، چراکه به دلیل گسترش ارتباطات، مردم تفاوت‌های میان کشورها را راحت‌تر و آسان‌تر متوجه می‌شوند. هرچند برخی اقتصادهای نوظهور رشدهای قابل توجهی داشته‌اند اما بسیاری کشورها همچنان در دام فقر و عوارض بی‌شمار آن گرفتارند. عوارضی که طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود: ضعف زیرساخت‌های اجتماعی (مثلاً آموزش مناسب و دسترسی به بهداشت و آب سالم) تا مشکلات سیاسی (مانند شکنندگی دولت‌ها).

علاوه بر این، متخصصان مشارکت‌کننده در این مطالعه نسبت به رشد نابرابری درون اقتصادهای توسعه‌یافته و درحال ظهور نیز اظهار نگرانی کرده‌اند. براساس گزارش OECD و سایر مراجع مرتبط، در فاصله اواسط دهه ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۲۰۰۰ رشد درآمد حقیقی پنجک (۲۰ درصد) اول درآمدی در کشورهای هم‌چون فنلاند، سوئد، آمریکا، انگلیس، ایتالیا و فرانسه دو برابر همین رشد برای پنجک (۲۰ درصد) پایین درآمدی بوده است.

نابرابری نیز براساس شاخص ضریب جینی در اقتصادهای نوظهوری همچون چین، هند و اندونزی به سرعت افزایش یافته است.

هرچند به این آمارها از حیث روش‌شناسی انتقادهایی وارد است اما همین که این نابرابری احساس و ادراک می‌شود فی‌نفسه نگران‌کننده است.

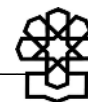
عوامل زیادی در ایجاد نابرابری در درون کشورها مؤثر بوده‌اند که به‌عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: نابودی تدریجی فرهنگ اشتغال، کاهش نیروی کار سازمان یافته، ناتوانی در ارتقای نظام آموزشی همپای نیازهای بازار کار.

نابرابری اقتصادی همچنین باعث تقویت فرآیند چندپارگی اجتماعی در سطح جهان می‌شود. جهانی‌سازی باعث شده است که در درون کشورها، گروه‌هایی ایجاد شوند که دارای منافع اقتصادی واگرا هستند و همین مسئله باعث تضعیف یکپارچگی ملی شده است.

در همین زمان، به دلیل بین‌المللی شدن ارتباطات و رسانه، نقش سازمان‌های فراملی در هویت فردی و اجتماعی رو به افزایش است. ساختارهای قدیمی سازمان‌ها و مؤسسات دیگر بی‌فایده و اعتماد به آنها کم شده است. باید گفت تا اندازه‌ای نیز جوامع ملی که به صورت عمودی یکپارچه‌سازی شده‌اند درحال جایگزینی با جوامعی سیال و فراملی هستند. طبیعتاً این فرآیند، فرصت ارتباطات میان‌فرهنگی و ایجاد جوامع چندفرهنگی را (که تاکنون با موانع جغرافیایی مواجه بوده است) تقویت می‌کند. اما ازسویی دیگر باعث ایجاد تنش در درون کشورها شده و ریسک‌هایی در سطح جهان ایجاد می‌کند و توان دولت‌ها را در واکنش مناسب به ریسک‌های جهانی کاهش می‌دهد.

۲-۱. شکست در مدیریت مسائل جهانی

تعریف: هرگونه ضعف یا کمبود در نهادها، توافقات و شبکه‌های جهانی در کنار منافع سیاسی و ملی رقیب، هرگونه تلاش و هماهنگی برای مواجهه با ریسک‌های جهانی را عقیم می‌سازد. درحالی که ریسک‌ها درحال جهانی شدن هستند و ارتباطات میان آنها درحال تقویت هست، توان مدیریت جهان رو به اضمحلال است.



مطالعه حاضر نشان می‌دهد که شکست در مدیریت مسائل جهانی ارتباط قوی با فساد اقتصادی، شکست فعالیت‌های رگولاتوری و نابرابری اقتصادی دارد. از سویی دیگر عقب‌نشینی از جهانی‌سازی و شکست‌ها در مدیریت مسائل جهانی یکدیگر را تقویت می‌کنند. خبرگان دست‌اندرکار تهیه این گزارش، شکست در مدیریت در عرصه جهانی را در این موارد خلاصه می‌کنند: مذاکرات بی‌نتیجه ملل متحد درباره موضوع تغییرات آب و هوایی، ناقص ماندن مذاکرات تجاری سازمان تجارت جهانی در دوحه قطر، عدم توفیق در تحقق برخی اهداف توسعه هزاره^۱ ملل متحد، چالش‌های موجود در نظام تدوین شده برای عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای، توقف اصلاحات در ساختار سازمان ملل. به نظر می‌رسد جهان در مواجهه با این چالش‌ها فلج شده است. اجماع واشنگتنی دیگر یک مبنای مورد قبول برای توسعه اقتصادی محسوب نمی‌شود اما از آن سو نیز نسخه‌ای جایگزین آن نشده است.

مؤسسات پژوهشی فعال در حوزه امنیتی و اطلاعاتی در آمریکا و اروپا اخیراً طی گزارش‌هایی اعلام کرده‌اند که برای فائق آمدن بر چالش‌های موجود در سطح جهان چارچوب‌های فعلی پاسخگو نیست و باید اصلاحات گسترده‌ای آغاز شود. یکی از این موارد سهم بیشتر دادن در سازمان‌های بین‌المللی به قدرت‌های در حال ظهور است. هرچند که معلوم نیست بتوانند از عهده این مسئولیت برآیند و کشورهای قدرتمند سابق نیز بفهمند که قدرتشان باید محدود شود. در هر حال معلوم نیست که موضوع مدیریت جهان با توجه به نهادهای نامناسب موجود به همین شکل معلق خواهد ماند یا اینکه ما با استفاده از شبکه‌ها و روش‌های نوین همکاری نسبت به ایجاد نهادهای مناسب اقدام خواهیم کرد و شاید هم ایده همکاری‌های بین‌المللی به‌طور کلی به‌دست فراموشی سپرده شود. یکی از پیش‌نیازهای مدیریت موفق در سطح جهان، داشتن عقاید مشترک برای شهروندی جهانی است که هنوز محقق نشده است.

۲. ریسک‌های درجه دو، ریسک‌هایی قابل توجه

۲-۱. حلقه عدم تعادل‌های اقتصاد کلان

۲-۱-۱. تعریف و آثار این ریسک

سه ریسک در درون این ریسک قرار دارد: نوسانات نرخ ارز، بحران مالی و سقوط ارزش دارایی‌ها. این ریسک هم به عدم تعادل‌های درون کشورها می‌پردازد و هم تعادل‌های میان کشورها. عدم تعادل‌های درون کشورها متناسب با سطح توسعه آن کشور و تحت تأثیر رفتار بخش

خصوصی و سیاست‌های دولت ایجاد می‌شود. عدم تعادل‌های مالی در اقتصادهای توسعه‌یافته به دلیل ولخرجی‌های دولت‌ها بیشتر شده و در اثر بحران مالی بدتر نیز شده است، چراکه این دولت‌ها مجبور شدند با صرف هزینه‌های مالی و اجرای طرح‌های نجات اقتصادی به بانک‌های رو به ورشکستگی کمک کنند. به علاوه نسبت به اجرای سیاست‌های محرک اقتصادی نیز اقدام نمودند. ترکیب این دو سیاست نرخ بدهی به GDP را به خصوص در اقتصادهای توسعه‌یافته افزایش داد. در زمانی که دولت‌ها سعی می‌کنند فضای آرام اقتصادی را حفظ کنند، معمولاً بحث انضباط مالی در کوتاه‌مدت فراموش می‌شود. اما در بلندمدت نمی‌توان اینگونه عمل کرد و تأمین مالی تعهدات بدون پشتوانه نسل‌های فعلی و آینده تبدیل به یک مشکل جدی می‌شود (در این زمینه به بحث ریسک‌های جمعیتی در ادامه همین گزارش نیز دقت شود).

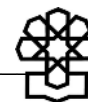
اما بحث عدم تعادل در بین کشورها؛ ریشه اصلی عدم تعادل‌های بین کشورها فقدان تناسب میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است. برخی کشورها دارای کسری پس‌انداز هستند، به این معنا که به اندازه‌ای که سرمایه‌گذاری می‌کنند پس‌انداز ندارند و برخی کشورها نیز برعکسند یعنی پس‌انداز مازاد دارند. نتیجتاً اینکه سرمایه‌ها از مرزهای یک کشور خارج و وارد کشور دیگری می‌شوند. در اصل باید گفت عدم تعادل‌های بین کشوری چیز بدی نیست چون باعث می‌شود در یک اقتصاد جهانی، سرمایه در سودآورترین بازار مصرف شود. تا زمانی که دریافت‌کننده سرمایه آن را در جای سودآوری هزینه کند و بدهی خود را مستهلک نماید مشکلی به وجود نمی‌آید. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که یکی از حالات زیر ایجاد شود: کشوری نتواند سود کسب کند و در نتیجه نتواند بدهی خود را بدهد و دچار بدهی‌های انباشته شود، حالت دوم اینکه کشور سود به دست آورد اما نرخ پول ملی خود را پایین نگه می‌دارد تا ارز خارجی کمتری بابت سودهای پرداختی از کشورش خارج شود که در این صورت نیز دچار ذخایر ارزی انباشته می‌شود.

این عدم تعادل‌ها دو ریسک مهم ایجاد می‌کند:

اول اینکه باعث کاهش سرعت رشد می‌شود. همچنین در برخی اقتصادهای توسعه‌یافته، افزایش بدهی‌ها و فشارهای مالی در داخل اقتصاد، ریسک ایجاد بدهی برای دولت را افزایش می‌دهد. این مسئله به نوبه خود بر روی سیستم بانکی جهانی اثر منفی می‌گذارد و عکس این مسئله نیز صادق است.

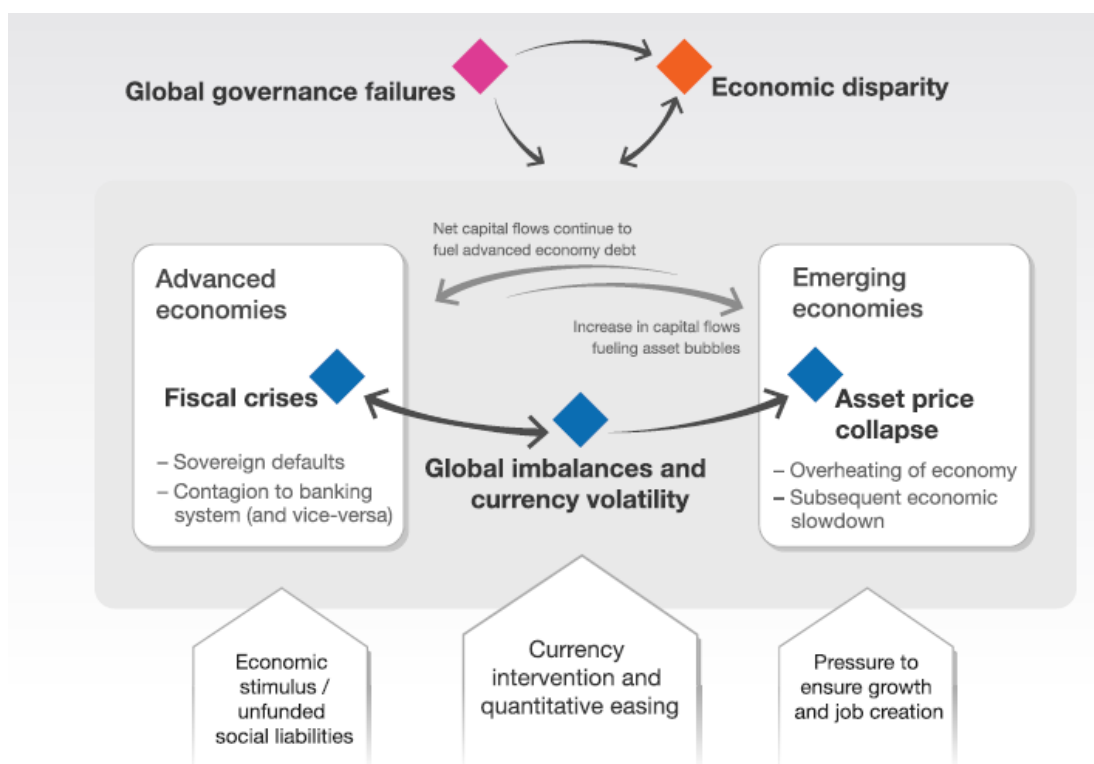
دوم اینکه موجب سرریز سرمایه به اقتصادهای نوظهور شده و خطر ایجاد حباب و سقوط ارزش دارایی‌ها را تشدید می‌کند.

در حالتی که عدم تعادل‌های جهانی باعث حرکت سرمایه از اقتصادهای با مازاد پس‌انداز به اقتصادهای با کمبود پس‌انداز می‌شود همواره این ریسک وجود دارد که اقتصادهای نوظهور نتوانند



از این سرمایه‌ها به شکلی کارآ استفاده کنند و در نتیجه ریسک‌های فوق‌الذکر رخ می‌دهد. این ریسک‌ها با سایر ریسک‌های جهانی مرتبطند. به‌طور مثال فشار مالی در اقتصادهای توسعه‌یافته موجب حرکت سرمایه به سمت آسیا شده و ریسک تنش‌های ژئوپالیسیک را افزایش می‌دهد. همچنین این ریسک‌ها می‌تواند ریسک شکست مدیریت مسائل جهانی را افزایش دهد، چرا که دولت‌ها ممکن است به راه‌حل‌های جمع صفر^۱ و یا راه‌حل‌های کوتاه‌مدت پوپولیستی روی بیاورند.

شکل ۳. سیستم نشان‌دهنده ریسک‌های حلقه عدم تعادل‌های اقتصاد کلان



۱. در بازی‌های جمع صفر یا سرجمع صفر حتماً یکی از طرفین بازی بازنده و دیگری برنده است.

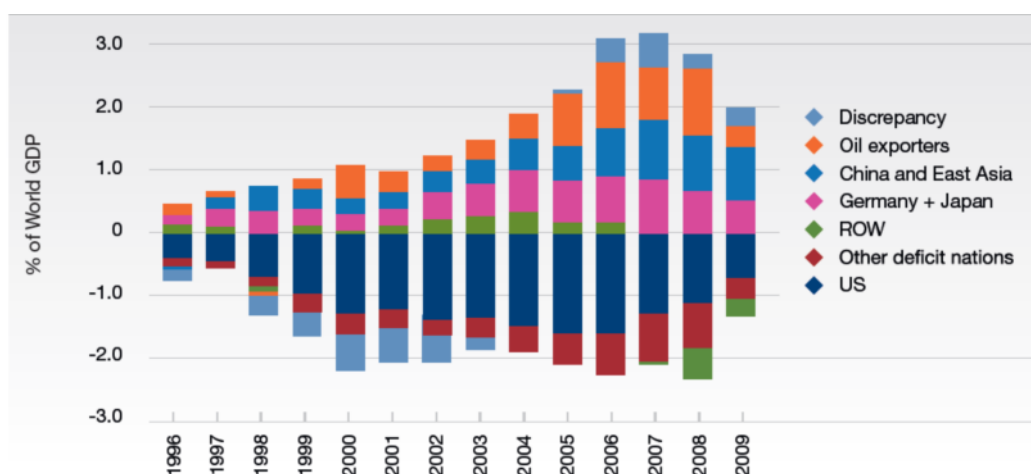
جدول ۱. اثر ریسک‌های مرتبط با عدم تعادل‌های اقتصاد کلان

آثار	مستقیم	غیرمستقیم
بر دولت‌ها	اقتصادهای توسعه‌یافته: تصمیم سخت اقتصادی برای ایجاد تعادل بین ریاضت و مشوق‌های اقتصادی، ناتوانی در پرداخت بدهی‌ها، استمهال یا بخشش آنها اقتصادهای نوظهور: افزایش نیاز به تعدیل نرخ ارز	فقدان اراده سیاسی برای مواجهه با سایر چالش‌های جهانی مانند تغییرات آب و هوایی
بر جامعه / مردم	اقتصادهای توسعه‌یافته: کاهش رشد در صورت اجرای سیاست‌های ریاضتی، ناتوانی در ایفای تعهدات اقتصادهای نوظهور: ایجاد برخی تغییرات اجتماعی به دلیل تمایل به پاسخگویی به تقاضای داخلی و رها کردن صادرات (در این زمینه لازم است نسبت به سیاست‌های بازتوزیعی و تشویق مصرف و کاهش پس‌انداز اقدام شود)	افزایش رفاه در چین در بلندمدت در نتیجه توجه به بازار داخل
بر کسب‌وکار	فشارهای ناشی از حمایت‌گرایی در تجارت و بخش مالی خطر امکان سقوط نظام بانکی و مالیه دولت	بازنگری در الگوهای تجاری به دلیل آنکه عقب‌نشینی از جهانی‌سازی و تغییرات جهانی تقاضا را جابجا کرده‌اند

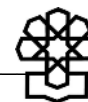
۲-۱-۲. نااطمینانی‌ها و روندهای اصلی

طبق نمودار زیر عدم تعادل‌های حساب جاری از سال ۱۹۹۶-۲۰۰۹ به شدت افزایش یافته است. هرچند گروهی از کارشناسان معتقدند که در اثر بحران مالی این روند کمی بهبود می‌یابد، اما کارشناسان بانک جهانی و گروهی دیگر از کارشناسان معتقدند که این وضع در آینده نزدیک دوباره وخیم خواهد شد.

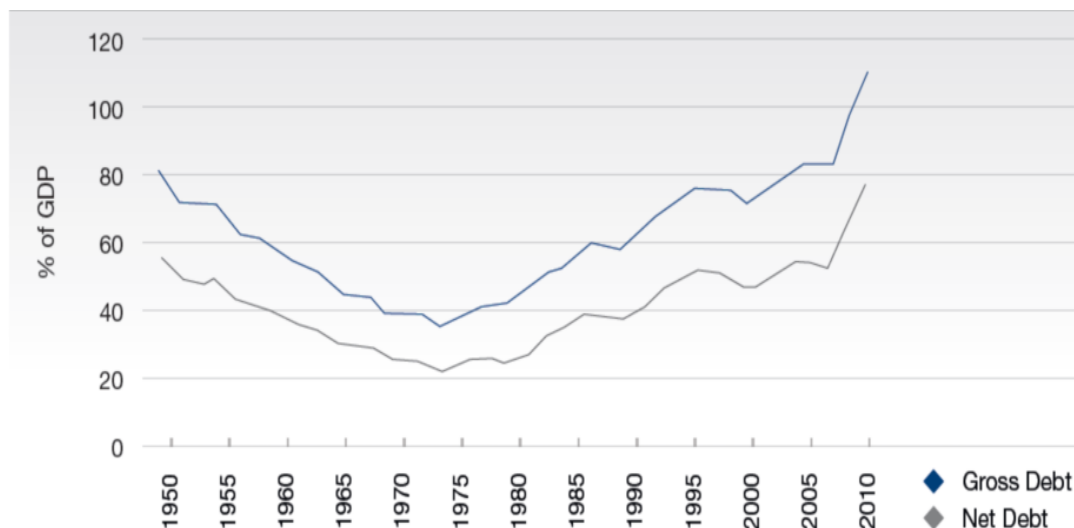
نمودار ۱. عدم تعادل در حساب جاری جهانی ۱۹۹۶-۲۰۰۹



محور عمودی: سهم از تولید ناخالص جهان
توضیحات نمودار به ترتیب: بی‌انضباطی مالی، صادرکننده‌های نفت، چین و آسیای شرقی، آلمان و ژاپن، سایر کشورهای دنیا، سایر کشورهای دارای کسری، آمریکا.



نمودار ۲. متوسط نرخ بدهی به GDP در میان کشورهای گروه هفت در فاصله سالهای ۱۹۵۹-۲۰۱۰ (تعدیل شده با برابری قدرت خرید)

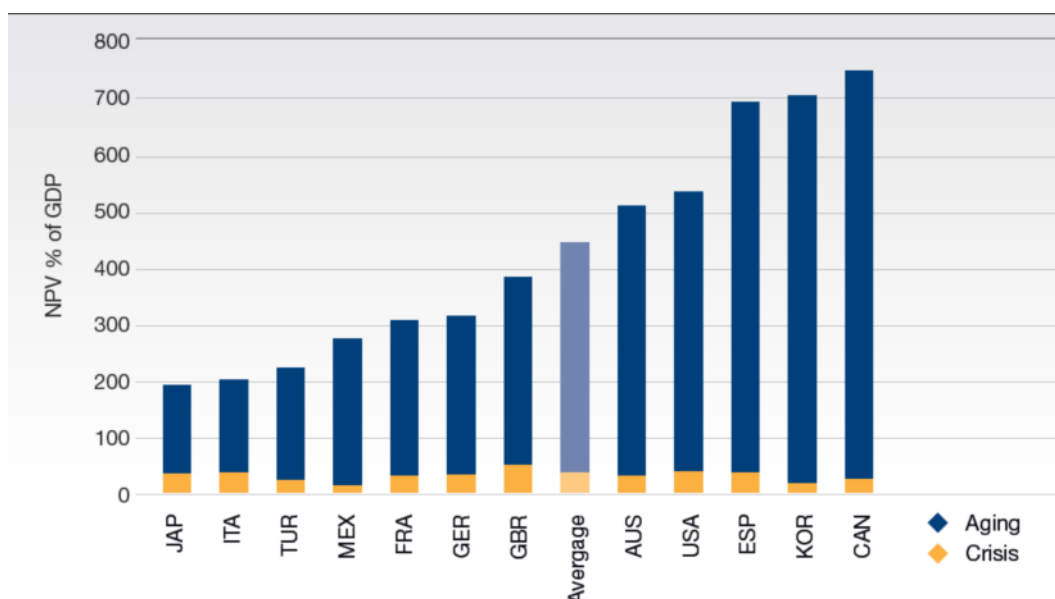


توضیحات: محور عمودی: نسبت بدهی به GDP (درصد)، نمودار بالا: بدهی ناخالص، نمودار پایین: بدهی خالص.

یکی از موضوعاتی که همواره با ریسک و نااطمینانی همراه است این سؤال است که بخش عمومی توان تحمل چه مقدار بدهی را دارد. مطالعه‌ای که اخیراً بر روی ۴۵ کشور و در بازه زمانی ۲۰۰ سال انجام شده است نشان می‌دهد در جاهایی که رشد بدهی‌ها غیرخطی است، سطوح مختلفی برای نسبت بدهی به GDP برای کشورهای مختلف وجود دارد. به طور خاص، این نسبت برای کشورهای با اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور حدود ۹۰ درصد برآورد شده است. بعد از این سطح، افزایش بدهی‌ها منجر به کاهش حدود ۱ درصد در رشد GDP می‌شود. بسته به اینکه با چه مبنایی بدهی‌ها را محاسبه کنیم باید گفت که آمریکا با سرعت به این سطح از بدهی (۹۰ درصد) نزدیک می‌شود و یا آن را رد کرده است و کشورهای اروپایی نیز بسیار فراتر از این حد رفته‌اند.

برخی کارشناسان با این شیوه محاسبه موافق نبوده و معتقدند برای محاسبه شاخص نسبت بدهی به GDP باید ابتدا ارزش خالص فعلی بدهی‌ها و GDP را در آینده حساب کرد و سپس به محاسبه شاخص پرداخت. براین اساس نمودار ۳ به دست می‌آید که نشان می‌دهد متوسط نرخ بدهی به GDP در کشورهای منتخب حدود ۴۴۰ درصد است (که بسیار بیشتر از محاسبه همین شاخص بدون ارزش خالص فعلی است).

نمودار ۳. اثر بحران مالی و هزینه‌های مربوط به افزایش سن جامعه بر تعادل مالی در کشورهای منتخب (با در نظر گرفتن ارزش خالص بدهی‌ها و GDP)

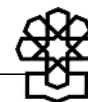


توضیحات: محور عمودی: نسبت بدهی به GDP (درصد)، قسمت بالای میله‌ها: هزینه‌های ناشی از افزایش سن جمعیت قسمت پایین میله‌ها: هزینه‌های ناشی از بحران مالی.

طبق گزارش IMF و بانک تسویه بین‌الملل، در صورت عدم تأمین منابعی برای تعهدات آینده و عدم ایجاد تغییرات لازم در میان‌مدت، پیش‌بینی می‌شود تقریباً همه کشورهای توسعه‌یافته در بلندمدت با ناتوانی در پرداخت بدهی‌های خود مواجه می‌شوند. این کشورها باید سیاست‌های مالی ریاضتی در پیش گیرند (به‌طور نمونه یا مالیات‌ها را زیاد کنند و یا هزینه‌های خود را کاهش دهند). البته کارشناسان هشدار داده‌اند که سیاستمداران معمولاً در بسیج اراده‌ها جهت حفظ بازارهای مالی و نجات کشور موفق نیستند.

۳-۱-۲. اهرم‌های موجود برای مواجهه با ریسک

اقتصادهای نوظهور ارزش پول ملی خود را پایین آورده و آن را حفظ کرده‌اند و حاضر به افزایش آن نیستند، چرا که می‌دانند این کار اشتغال بخش صادرات و ثبات اجتماعی را از بین خواهد برد. از سویی کشورهای توسعه‌یافته نیز تحت فشار افکار عمومی معمولاً به‌دنبال راه‌حل‌های کوتاه‌مدت هستند و نتوانسته‌اند اقتصادهای نوظهور را به کاهش ارزش پول ملی راضی کنند. ضمن آنکه چندین اقتصاد نوظهور با هم نسبت به کاهش ارزش پول خود اقدام کرده‌اند و این مسئله، دستیابی به یک توافق همه‌جانبه را سخت‌تر می‌کند. در زیر تلاش شده است راهبردهایی برای مواجهه با این ریسک مورد اشاره قرار گیرد.



الف) تقویت همکاری‌های بین‌المللی

باید نظام هدایت و مدیریت نرخ‌های ارز در جهان بازبینی شود تا مانع جنگ ارزی گردد. ابزار مهمتر از نرخ ارز این است که کشورها (چه آنهایی که کسری پس‌انداز دارند و چه آنهایی که مازاد دارند) درباره سیاستگذاری رشد با هم همکاری کنند و انگیزه‌هایشان را نسبت به استفاده از درآمد تغییر دهند. باید به‌جای تأکید بر نرخ ارز و کاهش آن توسط اقتصادهای نوظهور، بر تعدیل قیمت‌ها و درآمد جهت رفع عدم تعادل‌ها متمرکز شد.

ب) تقویت نظام‌های مالی

ضعف نظام مالی در همه کشورها (اعم از توسعه‌یافته و درحال ظهور) از علل بروز ریسک است. افزایش رگولاتوری در نظام مالی یکی از ابزارهای دخالت دولت است که طرح‌های مختلفی در این زمینه ارائه شده است از جمله «مقررات بازل سه». برخی از پیشنهادات عبارتند از: سختگیری و افزایش در نرخ‌های سرمایه و نقدینگی، افزایش شفافیت در بازارهای مالی.

ج) تسهیل فرآیند گذار به اقتصاد متعادل

درحالی که اقتصادهای دارای کسری پس‌انداز سعی می‌کنند با تعدیل هزینه‌ها و قیمت‌ها، صادرات خود را افزایش دهند کشورهای دارای مازاد پس‌انداز باید به‌دنبال دلایل پایین بودن سطح مصرف در اقتصادشان باشند. نتیجه این فرآیند، افزایش رفاه در جوامع دارای مازاد پس‌انداز و افزایش صادرات در اقتصادهای دارای کسری است.

مهمتر از همه اقتصادهای توسعه‌یافته باید به فکر تعهدات بی‌پشتوانه خود در آینده که به دلیل پیری جمعیتشان درحال افزایش است باشند. این کشورها باید با برخی نوآوری‌های مالی سهم دولت را در تأمین رفاه آینده کم کنند و به مرور عمده بار را روی دوش بخش خصوصی بیاندازند.

۲-۲. حلقه اقتصاد غیرقانونی

تجارت غیرقانونی، فساد اقتصادی و جرائم سازمان‌یافته ریسک‌هایی با احتمال وقوع بالا ولی اثرگذاری متوسط ارزیابی می‌شوند. همچنان که در شکل ۴ نمایش داده شده است این سه ریسک بیشترین تأثیر را بر سه ریسک «دولت‌های شکننده»، «تروریسم» و «نزاع‌های ژئوپالیتمیک» می‌گذارد که خود این ریسک‌ها تأثیر زیادی بر بی‌ثباتی دنیا دارند.

یک رابطه دوری بین این ریسک و حلقه نابرابری اقتصادی وجود دارد. به‌طوری که نابرابری اقتصادی چه در اقتصادهای توسعه‌یافته و چه نوظهور، زمینه مساعد برای فساد اقتصادی، تجارت غیرقانونی و جرائم سازمان‌یافته را ایجاد می‌کند. به همین ترتیب هزینه انجام کار و فعالیت

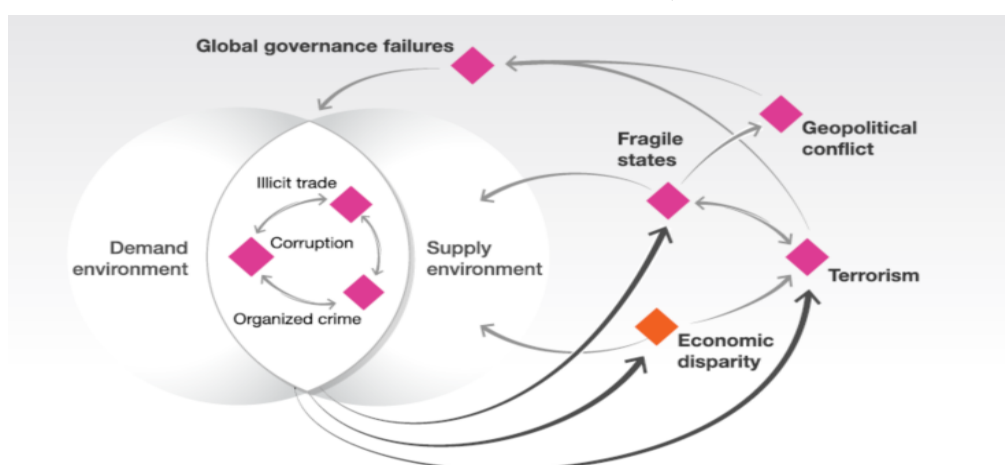
اقتصادی قانونی را بالا می‌برد و تبعیض ایجاد می‌کند و این خود منجر به افزایش نابرابری چه در درون کشورها و چه بین کشورها می‌شود. همچنان که شکست در مدیریت مسائل جهانی فضای مناسبی برای اقتصاد غیرقانونی ایجاد می‌کند این نوع اقتصاد بازهم شکست مدیریت مسائل جهانی را تشدید می‌کند.

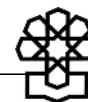
نکته مهم این است که هرچند فعالیت‌های غیرقانونی اقتصادی در اقتصادهای نوظهور رخ می‌دهد اما تقاضای کالاهای غیرقانونی عمدتاً در اقتصادهای توسعه‌یافته متمرکز شده است.

جدول ۲. آثار ریسک‌های حلقه اقتصاد غیرقانونی

آثار غیرمستقیم	آثار مستقیم	
کاهش سرمایه‌گذاری منطقه‌ای، قدرت‌گیری گروه‌های اخلاک‌گر	تضعیف نهادها، کاهش حاکمیت قانون، کاهش خدمت‌رسانی به مردم و فاسد شدن دستگاه‌های دولتی، کاهش پایه مالیاتی و درآمد، خروج سرمایه و تهدید ثبات سیاسی	روی دولت‌ها
کاهش گردشگری، تخریب زیست‌کره به دلیل افزایش فعالیت‌های مخرب و جرم‌انگاری در میان گروه‌های مختلف مردم	تضعیف اعتماد مردم به نهادهای عمومی، امکان اجرای قوانین سخت‌گیرانه و کاهش فرصت‌های اقتصادی و خروج مغزها	روی مردم
افزایش هزینه‌های سرمایه و فشار برای مشارکت در فساد اقتصادی	افزایش هزینه‌های مبادله، فقدان مبادلات غیرقانونی، کاهش سرمایه‌گذاری، مواجهه با موضوعاتی همچون رشوه، تهدید و تخریب شخصیت	روی تجارت و کسب‌وکار

شکل ۴. سیستم ریسک‌های مرتبط با حلقه اقتصاد غیرقانونی





روندها و نااطمینانی‌های عمده

تشخیص آثار منفی ریسک‌های حلقه اقتصاد غیرقانونی راحت اما برآورد مقداری آن بسیار سخت است. همین عدم دسترسی به اطلاعات باعث بی‌توجهی به این حوزه شده و مشکلات را تشدید کرده است. برآوردها نشان می‌دهد که حدود ۷ تا ۱۰ درصد تجارت جهانی مربوط به تجارت غیرقانونی است و در برخی کشورها این نوع تجارت منبع اصلی درآمد است.

جدول زیر تخمینی از اندازه بازار برخی کالاهای غیرقانونی را نشان می‌دهد. باید تأکید کنیم که این آمار بسیار تقریبی بوده و قابل مناقشه هستند. باید به این نکته نیز توجه کرد که هرچند حجم این نوع تجارت در مقایسه با حجم کل تجارت جهانی کم است اما ارزش واقعی این مبادلات دارای آثار منفی گسترده‌ای بوده و بودجه دولتی و دستمزدهای ملی^۱ را بی‌اثر می‌کند.

جدول ۳. تخمین اندازه بازار کالاهای غیرقانونی (میلیارد دلار)

اندازه بازار	نوع کالا	اندازه بازار	نوع کالا
۵۰	سرقت نرم‌افزار	۲۰۰	داروهای تقلبی
۵۰	قاچاق سیگار	۱۹۰	فحشا
۲۰	قاچاق انسان	۱۴۰	ماری جوانا
۲۰	جرایم زیست‌محیطی و تجارت منابع طبیعی	۱۰۰	لوازم الکترونیکی تقلبی
۵	قطع جنگل‌ها	۸۰	کوکابین
۵	سرقت آثار هنری و فرهنگی	۶۰	تریاک و هرویین
۱	قاچاق اسلحه‌های کوچک (کمری یا سبک)	۶۰	سرقت آثار تصویری از روی اینترنت

الف) بررسی نتایج و عواقب مبارزه با اقتصاد غیرقانونی

یک سؤال مهم همواره وجود داشته و آن اینکه چرا هیچ‌گاه مبارزه جدی با اقتصاد غیرقانونی صورت نمی‌گیرد. یکی از علل آن این است که بسیاری از افراد بدون آنکه خود بدانند از منافع این نوع تجارت برخوردارند. اگر قرار باشد همه چیز شفاف شود و تجارت غیرقانونی متوقف شود، آن وقت خیلی‌ها متضرر خواهند شد و خیلی از کسب‌وکارها تعطیل و گروه کثیری از مردم بیکار می‌شوند (مانند مردمی که در افغانستان به کاشت خشخاش مشغولند).

ب) تقویت همکاری‌های بین‌المللی با استفاده از ابزارهای چندجانبه

باید اقتصادهای توسعه‌یافته ارتباط نهادهای قانونی و گروه‌های مدنی‌شان را با یکدیگر تقویت کرده و اقتصادهای نوظهور نیز در اعمال قوانین جدیدت بیشتری به خرج دهند.

علاوه بر این باید سعی کرد قوانین یکپارچه در میان کشورها حاکم باشد تا امکان فعالیت‌های

فسادآمیز کاهش یابد. قوانین ضدفساد در آمریکا و انگلیس که شرکت‌ها را از رشا و ارتشا در خارج از مرزهای خودشان نیز منع می‌کنند نمونه خوبی برای وحدت رویه در این زمینه است.

ج) شفافیت بیشتر در مبادلات تجاری و مالی جهان

در حال حاضر سیستم مالی بین‌الملل این اجازه را می‌دهد که منابع حاصل از جرائم سازمان‌یافته، فساد اقتصادی و تجارت غیرقانونی منتقل و مخفی شود. این مسئله تأثیر مخربی بر توان دولت‌ها در مبارزه با این مسائل و همچنین انتقال بار مالیات از سرمایه به مصرف و دستمزد می‌شود.

پنج راه حل برای ارتقای شفافیت پیشنهاد می‌شود:

الف) اطلاعات مربوط به مالکیت افراد بر اموال به‌عنوان یک موضوع عمومی مطرح باشد و امکان اعلام اطلاعات آن وجود داشته باشد.

ب) شرکت‌های چندملیتی برای گزارش‌گیری کشور به کشور از فروش، سود و مالیات تشکیل شود.

ج) تمام قیمتگذاری‌های کالاها در صادرات و واردات تحت سیستم‌های رایج در کشورهای OECD (تحت عنوان arm-length) اجرا شود و به صورت آنلاین در اختیار مأموران گمرک‌ها قرار گیرد تا از قیمتگذاری‌های غیرواقعی برای فرار از مالیات جلوگیری شود.

د) برای مالیات‌گیری از افراد، شرکت‌ها و تراست‌های بین‌المللی از سیستم اتوماتیک بین‌المللی اطلاعات استفاده شود.

ه) وحدت رویه در قوانین مبارزه با پولشویی در سراسر جهان به‌منظور ایجاد اطمینان از مقابله مؤثر ایجاد شود.

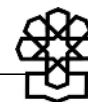
علاوه بر همه اینها باید بازرسی‌های فیزیکی از محموله‌ها نیز بهبود یابد و زنجیره تأمین کالاها کنترل شود.

د) مداخله بیشتر در سمت تقاضا

متخصصان معتقدند اگر آثار فعالیت‌های غیرقانونی بر زندگی اجتماعی و اقتصادی برای مردم تبیین شود، آنگاه تقاضا برای این کالاها کاهش می‌یابد. بنابراین باید به فعالیت‌های آموزشی و ترویج اخلاق و هنجارهای جدید روی آورد. نکته دیگر این است که نباید به کاهش فعالیت‌های غیرقانونی فقط به چشم یک هدف نگاه کرد، بلکه اگر آن را وسیله‌ای برای افزایش نرخ رشد در نظر گرفت، آنگاه تعامل میان دستگاه‌های ذیربط بهتر می‌شود.

یکی از راه‌حل‌های دیگر که تنها در برخی کالاها قابل اجراست، قانونی کردن آن فعالیت و از این طریق کاهش سود آن است. مانند تجارت ماری جوانا که در کالیفرنیا قانونی شد.

در مورد شرکت‌ها نیز باید سعی کرد موضوع فساد اقتصادی را از یک موضوع قضایی (که باید از قوانین مربوط به آن تبعیت کرد) به یک موضوع اجتماعی تبدیل کرد، به شکلی که شرکت‌ها



در معرض خطر بدنامی یا فشار افکار عمومی قرار گیرند.

ه) کاهش نابرابری اقتصادی

نابرابری اقتصادی زمینه مساعد برای ایجاد این ریسک را فراهم می‌کند. برای کاهش این ریسک باید نگاه بلندمدت داشت و با استفاده از سیاست‌های آموزش عمومی و مهارت‌آموزی به افراد کمک کرد تا فرصت‌های برابر و رفاه بالاتری داشته باشند.

۳-۲. حلقه آب، غذا و انرژی

۱-۳-۲. مفهوم ریسک و آثار آن

این سه ریسک از موانع تاریخی دستیابی به رشد اقتصادی و ثبات اجتماعی محسوب می‌شوند. در شکل ۵ روابط درونی این سه ریسک با هم نشان داده شده است؛ تولید غذا نیازمند آب و انرژی است، استحصال و توزیع آب نیازمند انرژی است و تولید انرژی نیز نیازمند آب است. قیمت غذا هم همواره به قیمت انرژی بسیار حساس بوده است.

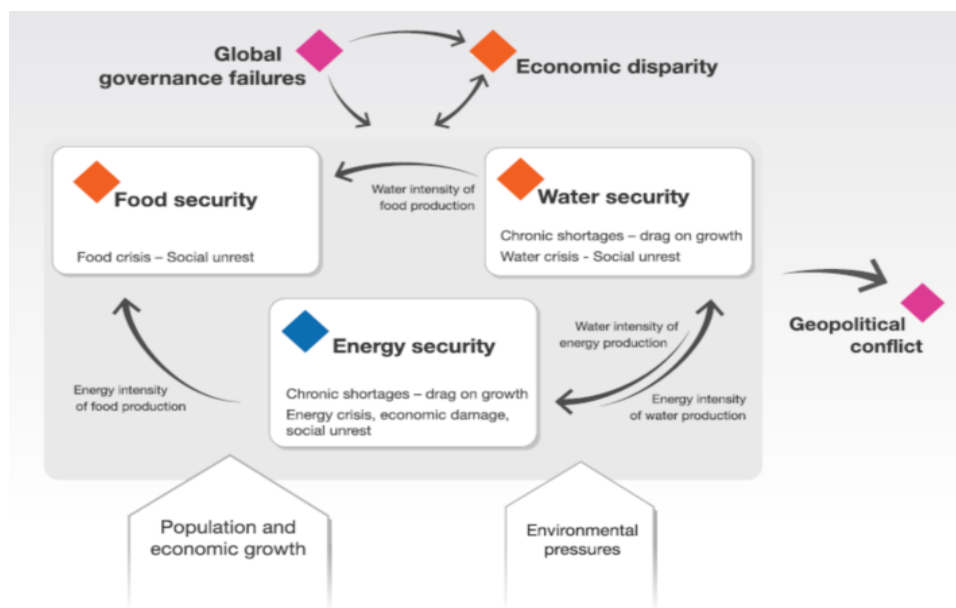
رشد جمعیت و رشد اقتصادی از عوامل مؤثر بر این سه ریسک هستند. در اقتصادهای نوظهور به دلیل ارتقای سطح زندگی شاهد ایجاد یک الگوی زندگی انرژی‌بر هستیم. شرایط زیست‌محیطی نیز (همچون نوسانات جوی و ...) بر امنیت منابع اثرگذار هستند.

ناتوانی دولت‌ها در اداره منابع فرامرزی آب و انرژی و موافقتنامه‌های تجارت غذا باعث ایجاد تنش و در نهایت درگیری در کشورها می‌شود؛ که نمونه آن اخیراً در یمن اتفاق افتاد. جدول زیر به بیان آثار مستقیم و غیرمستقیم می‌پردازد:

جدول ۴. آثار ریسک‌های حلقه آب، غذا و انرژی

نوع اثر	مستقیم	غیرمستقیم
بر دولت‌ها	رکود اقتصادی، ناآرامی سیاسی، افزایش هزینه‌های کمک‌های فوری غذایی، کاهش شدید تولیدات کشاورزی و تهدید امنیت انرژی	افزایش هزینه‌های اجتماعی به دلیل تضعیف بخش اقتصاد و کاهش درآمدها و اشتغال، ریسک‌های امنیتی و تعارضات ملی
بر مردم و جامعه	افزایش سطح فقر و گرسنگی، افزایش تخریب محیط زیست، کمبود شدید آب و غذا، ناآرامی اجتماعی و نوسان قیمت‌ها	فشارهای ناشی از مهاجرت، خسارت‌های جبران‌ناپذیر به منابع آب و از دست دادن زندگی
بر کسب‌وکار و تجارت	محدودیت‌های صادراتی، افزایش قیمت منابع، نوسان قیمت کالاها در بازارهای جهانی و محدودیت آب و انرژی	از دست دادن فرصت‌های سرمایه‌گذاری

شکل ۵. سیستم نشان‌دهنده ریسک در حلقه آب، غذا و انرژی

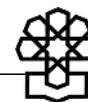


۲-۳-۲. روندها و نااطمینانی‌های عمده

کشاورزی با ۷۰ درصد، مهمترین بخش از کل تقاضای آب دنیا را تشکیل می‌دهد. به‌طور نمونه تولید یک کیلوگرم گوشت صنعتی تا ۲۰ هزار لیتر و تولید یک کیلو گندم ۱۲۰۰ لیتر آب نیاز دارد. طبق برآوردها جمعیت دنیا در ده سال آینده از ۶/۸۳ میلیارد نفر به ۷/۷ میلیارد نفر خواهد رسید. تا سال ۲۰۳۰ تقاضای انرژی و غذا ۵۰ درصد و تقاضای آب ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش خواهد داشت. تأمین این مقدار عظیم انرژی فشارهای سنگینی را بر منابع آب و بالطبع بر تولید غذا خواهد گذاشت. به همین ترتیب تأمین این حجم از آب خود نیازمند انرژی بیشتر است، لذا باید به‌دنبال منابع جدید انرژی و غذا بود.

در مورد غذا در طرف عرضه با چالش‌های جدی مواجه هستیم؛ مناطقی از دنیا (مانند چین، آمریکا و هند) که بخش عمده‌ای از گندم دنیا را تولید می‌کنند درحال حاضر از منابع آبی نامطمئنی استفاده می‌کنند. در مناطقی همچون شمال آفریقا و استرالیا کاهش بارش‌های جوی عرضه آب بهداشتی را به‌شدت کاهش داده و در شمال شرقی چین تغییرات آب و هوایی تا سال ۲۰۳۰ باعث کاهش ۵۰ درصدی در بارش‌ها خواهد شد.

باید گفت که تغییرات آب و هوایی در آینده بیش از این نیز تشدید خواهد شد چرا که بیش از ۷۰ درصد افزایش مصرف انرژی دنیا از محل سوخت‌های فسیلی و به‌خصوص زغال‌سنگ خواهد بود.



۳-۲. اهرم‌ها و هزینه‌ها

الف) بررسی تعارض‌ها^۱ در حلقه آب، انرژی و غذا

یکی از ویژگی‌های این حلقه درهم‌تنیدگی ریسک‌های آن است و همواره یک مبادله منفی بین آنها برقرار است به این معنا که کاهش یک ریسک منجر به افزایش ریسک در دیگری می‌شود. این موضوع باید در تدوین استراتژی‌های واکنش به ریسک لحاظ شود.

به‌طور مثال پیش‌بینی شده است که تا سال ۲۰۳۰، ۵ درصد حمل‌ونقل جاده‌ای به وسیله سوخت‌های زیستی تأمین خواهد شد، اما به این نکته کمتر توجه شده است که تولید این مقدار سوخت زیستی که معادل حدود ۳/۲ میلیون بشکه نفت در روز است مستلزم به‌کارگیری ۲۰ تا ۱۰۰ درصد آبی است که در حال حاضر در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

یا استخراج گاز موجود در سنگ‌ها (که به‌عنوان یک منبع جدید انرژی از آن یاد می‌شود) بسیار آبربر بوده و حتی ممکن است منابع آبی را نیز آلوده کند.

کمتر دولتی را می‌توان یافت که در تدوین سیاست انرژی خود علاوه‌بر توجه به افزایش رشد اقتصادی و کاهش تولید کربن به بهره‌برداری بهینه از منابع آب نیز توجه داشته باشد. از این‌رو است که باید گفت ماهیت این حلقه از ریسک‌طوری است که باید در تدوین برنامه‌ها، چندین هدف را همزمان مد نظر قرار داد.

ب) برنامه‌ریزی جامع منابع در حالت وجود ذینفعان متعدد

یکی از مشکلات موجود بر سر تدوین برنامه جامع برای منابع این است که عموماً در دولت‌ها، متولیان کشاورزی، آب، انرژی و برنامه‌ریزی شهری متفاوتند. ایجاد کمیسیون‌هایی که بتوانند از موضعی بالا میان بخش‌های مختلف هماهنگی کرده و جریان اطلاعات را تسریع کنند بسیار مؤثر است. در این زمینه نمونه‌های موفق نیز اجرا شده که از آن جمله می‌توان به طرح مجمع جهانی اقتصاد در تانزانیا و ویتنام اشاره کرد.

ج) توسعه زیرساخت‌ها با رویکرد توسعه منطقه‌ای

تجربه نشان داده است که در کشورهایی که زیرساخت‌ها به اندازه کافی توسعه‌یافته‌اند (مثلاً شبکه برق به خوبی در میان مناطق مختلف توزیع شده است) توان بیشتری برای مواجهه با ریسک‌ها و مقابله با آنها وجود دارد.

د) قیمتگذاری منابع به وسیله بازار

مکانیسم قیمت یکی از ابزارهای مؤثر برای مقابله با حلقه ریسک آب، غذا و انرژی است. عموماً

قیمت‌ها به صورت مصنوعی و به وسیله دولت‌ها پایین نگه داشته می‌شود و همین مسئله تقاضای این سه را بالا برده است. هرچند که اگر قیمت‌ها هم آزاد شود بازهم نمی‌تواند بخش قابل توجهی از آثار خارجی ناشی از مصرف این سه گروه کالا را لحاظ و جبران کند. این آثار خارجی در بعد منطقه‌ای عبارتند از: هزینه‌های زیست محیط و اجتماعی ناشی از بهره‌برداری از منابع و در بعد جهانی نیز تولید بیشتر کربن و تشدید تغییرات آب و هوایی می‌باشند.

تا زمانی که این آثار منفی در قیمت منابع منعکس نشود برنامه‌ریزی‌های غلط نیز باقی خواهد ماند. البته در مورد اصلاح قیمت آب باید اقشار فقیر را مورد توجه جدی قرار داد، چرا که افزایش بی‌محابا و یکباره قیمت آب، منجر به نارضایتی فقرا و بعضاً ناآرامی‌های اجتماعی نیز خواهد شد. همچنین باید دقت کرد که افزایش قیمت منابع مستقیماً رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد چراکه افزایش قیمت مستقیماً به مصرف‌کننده منتقل می‌شود.

کارشناسان معتقدند که برنامه‌ریزی برای اصلاح قیمت منابع برای آینده توسعه پایدار در جهان بسیار حیاتی است و هزینه ناشی از اجرای این طرح‌ها بسیار کمتر از هزینه و سختی‌ای است که در اثر کمبود منابع در آینده ایجاد خواهد شد.

ه) توجه به سطوح پایین جوامع در اجرای طرح‌ها

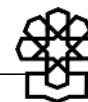
همواره این مسئله وجود داشته که طرح‌ها و برنامه‌ها به خوبی تدوین می‌شوند، اما در اجرا به مشکل برمی‌خورند. تجارب موجود نشان می‌دهد که باید نسبت به آگاه‌سازی، توانمندسازی و تقویت مردمی که از منابع استفاده می‌کنند و مخاطب آن برنامه‌ها و طرح‌ها هستند اقدام کرد، به طوری که کسانی که از منابع استفاده می‌کنند خود محافظان آن نیز باشند تا بتوانند به صورت پایدار از آن منابع استفاده کنند.

و) نوآوری‌های مالی و فناوری

ابزارهای مالی نوین نیز می‌توانند در مواجهه با ریسک مؤثر باشند. مانند آنچه در ویتنام و برای مزارع برنج اجرا شد که کشاورزان در برابر سطح تولیدی پایین‌تر از مورد انتظار که در اثر آفات یا کاهش بارش‌ها ایجاد شود بیمه شدند.

۳. ریسک‌های درجه سه، ریسک‌هایی جهت ملاحظه

در مطالعه‌ای که انجام شد نظر کارشناسان در مورد برخی ریسک‌ها بسیار متفاوت بود و عموماً از حیث اثر و احتمال وقوع قوی ارزیابی نشدند و لذا به عنوان ریسک‌هایی برای ملاحظه انتخاب شدند.



۳-۱. امنیت سایبری

هنوز مفهوم امنیت سایبری دقیقاً واضح و روشن نیست و به همین جهت خطرات ناشی از آن معمولاً کمتر از واقع برآورد می‌شود.

به‌طور کلی چهار دسته ریسک در این ارتباط قابل بیان هستند:

۳-۱-۱. سرقت سایبری

سرقت سایبری تبدیل به یک صنعت گسترده شده به‌خصوص در کشورهایی که نابرابری اقتصادی وجود دارد و در عین حال دسترسی به فناوری‌های ارتباطی گسترش یافته است. فعالان این عرصه را طیف وسیعی از افراد تشکیل می‌دهند. از افراد حقیقی کارآفرین گرفته تا شرکت‌های صوری که به امید کسب درآمد و البته قبول ریسک بالا تشکیل شده‌اند. نکته جالب توجه اینجاست که طبق مطالعات صورت گرفته، افرادی که در زمینه سرقت سایبری فعال هستند به اندازه سایر مجرمین احساس گناه نمی‌کنند.

۳-۱-۲. جاسوسی سایبری

جاسوسی سایبری، فعالیت‌های قدیمی سرویس‌های جاسوسی را وارد عصر جدیدی کرده است. این جاسوسی‌ها لزوماً توسط کشورهای دشمن انجام نمی‌گیرد، بلکه بعضاً برخی کشورهای دوست نیز اقدام به جاسوسی سایبری می‌کنند.

۳-۱-۳. جنگ سایبری

هنوز این مفهوم در میان عامه مردم جا نیافتاده و میان نخبگان نظامی و غیرنظامی نیز اختلاف نظر است. وقتی جنگ سایبری در کنار جنگ فیزیکی قرار می‌گیرد ریسک‌های بزرگی ایجاد می‌کند و حتی باعث تقویت شدت جنگ فیزیکی نیز می‌شود.

۳-۱-۴. تروریسم سایبری

این مفهوم از هر دو مفهوم قبلی کمتر شناخته شده است. در سال‌های اخیر سازمان‌های تروریستی نسبت به استفاده گسترده از اینترنت اقدام کرده‌اند و در مواردی همچون استخدام نیرو، ارتباط‌گیری و اجرای عملیات از آن بهره برده‌اند. از این‌رو کارشناسان نسبت به تروریسم سایبری هشدار داده‌اند. البته باید گفت که هنوز این نوع ترور نمی‌تواند در مقیاس وسیع خطرآفرینی کند.

علاوه بر سه ریسک فوق باید برخی اشتباهات در طراحی سیستم‌های هوشمند که به اینترنت متصل می‌شوند را نیز در نظر گرفت.

۲-۳. چالش‌های جمعیتی

تغییرات جمعیتی آثار متفاوتی را بر دنیا به‌جای گذاشته است، از ناآرامی‌های سیاسی در حکومت‌های ناپایدار گرفته تا انتفاع اقتصادهای نوظهور از جمعیت بالا و تا بحران مالی در اقتصادهای توسعه‌یافته.

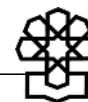
عمده‌ترین مؤلفه‌های مرتبط، که کشور به کشور نیز متفاوتند عبارتند از: رشد جمعیت، تحول ساختار سنی و سرعت شهرنشینی.

در اقتصادهای توسعه‌یافته به‌دلیل کاهش نسبت جمعیت نیروی کار به جمعیت بازنشسته و سالخورده، فشارهای مالی بیشتر شده است. در اقتصادهای نوظهور نیز به‌دلیل طول عمرهای زیاد، مشکلات دیگری در مسیر توسعه ایجاد شده است.

در کشورهای درحال توسعه، بزرگی جمعیت و رشد آن باعث فشار زیاد به منابع، مؤسسات و نهادهای عمومی و ثبات اجتماعی شده است. در کشورهایی که رشد جمعیت در کنار ضعف نهادها، کمبود منابع، شکنندگی اکوسیستم، شهرهای مملو از جمعیت، کمبود فرصت‌های اقتصادی و نابرابری در میان زن و مرد باعث تشدید شرایط شده، خطر آسیب به نسل جوان را به‌طور جدی افزایش داده است. طبق مطالعات صورت گرفته در مجمع جهانی اقتصاد، ۱۴ کشور درحال توسعه با جمعیتی معادل ۴۵۰ میلیون نفر به‌دلیل کمبود آب و سایر منابع در معرض چنین آسیبی هستند و خطر انتقال شوک‌های متعدد به کشورهای و مناطق همسایه را ایجاد کرده‌اند.

به‌عنوان مثال می‌توان به نیجر اشاره کرد که هر زن سه فرزند دارد و جمعیتش از ۳ میلیون نفر در سال ۱۹۶۰ به ۱۶ میلیون نفر درحال حاضر رسیده است و تا ۲۰۵۰ به ۵۸ میلیون نفر خواهد رسید. البته درحال حاضر نیز رشد جمعیت توان کشور را در تأمین غذا تحلیل برده و این کشور تاکنون چندین مرحله قحطی و کمبود غذایی تجربه کرده که آخرین نمونه آن در سال ۲۰۱۰ بوده است. علاوه بر این، کاهش بهره‌وری خاک و آسیب‌پذیری در مقابل تغییرات آب و هوایی نیز مزید بر علت شده و از اکنون نشانه‌هایی از نزاع‌های قومی در این کشور دیده می‌شود. مسئله زمانی مهمتر می‌شود که بدانیم نیجر از مهمترین کشورهای دارای منابع غنی اورانیم در آفریقا است.

اقتصادهای نوظهور که نرخ باروری را کنترل کرده‌اند درحال حاضر از منافع آن بهره می‌برند چرا که ساینز خانواده‌ها کوچکتر شده و میزان سرمایه‌گذاری روی هر بچه بیشتر شده است. استفاده از این پتانسیل مستلزم توجه به آموزش نیروی جوان و تمرکز بر برنامه‌هایی است که تحت عنوان «مهارت‌های قرن ۲۱» معروف شده‌اند. علاوه بر این باید محیط مناسب برای افزایش اشتغال و رشد نهادهای مالی ایجاد شود.



۳-۳. امنیت منابع

علاوه بر حلقه ریسک آب، غذا و انرژی، این ریسک نیز از اهمیت بالایی برخوردار بوده و شامل دو ریسک «نوسان شدید قیمت کالا» و «نوسان شدید قیمت انرژی» می‌شود. تقریباً هیچ تردیدی نیست که تقاضای منابع در میان مدت به دلیل رشد جمعیت و افزایش مصرف سرانه افزایش خواهد یافت اما هیچ اطمینانی از طرف عرضه وجود ندارد که بتواند پا به پای تقاضا حرکت کند.

همین واقعیت باعث شده است که برخی تحلیلگران بر این عقیده باشند که در بلندمدت، جهان در بهترین حالت شاهد افزایش دائمی قیمت کالاها و در بدترین حالت مواجه با کمبود منابع کلیدی خواهد بود.

اما برآوردهای مقداری نشان می‌دهد که با لحاظ تورم جهانی و محاسبه قیمت‌های واقعی، قیمت اکثر منابع از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۰۰ نه تنها افزایش نیافته بلکه کاهش نیز یافته است. برخی کارشناسان معتقدند این روند احتمالاً بعد از این نیز ادامه خواهد یافت.

در طرف عرضه با دو محدودیت مواجهیم: نرم و سخت. محدودیت نرم که موقت نیز می‌تواند باشد این است که سرمایه‌گذاری‌های لازم در گذشته برای تولید و بهره‌برداری از منابع انجام نشده و محدودیت سخت به کمبود خود منابع و ذخایر آنها برمی‌گردد.

این دو مسئله باعث شده که برخی کارشناسان در توانمندی فناوری‌ها و نوآوری‌ها در استمرار رشد عرضه منابع، همگام با رشد جمعیت و رشد اقتصادی تردید کنند. علاوه بر این هزینه‌های جانبی که در اثر استخراج و مصرف منابع ایجاد می‌شود نیز باعث افزایش قیمت می‌شود. ضمن آنکه هرچه یک منبع رو به تحلیل می‌رود هزینه‌های جانبی استخراج از آن بیشتر نیز می‌شود. افزایش پایدار قیمت منابع، بر رشد اقتصادی اثر منفی گذاشته و بیشتر از همه نیز از طریق افزایش قیمت کالاهای ساخته شده به مصرف‌کننده و عمدتاً فقرا منتقل می‌شود. راه‌حل‌های زیر برای مواجهه مؤثر با این حلقه از ریسک‌ها پیشنهاد می‌شود: تلاش برای تغییر رفتار در طرف تقاضا، حذف مشوق‌های مصرف مانند یارانه سوخت و قیمت پایین آب، قانونگذاری و کنترل بیشتر برای حل تراژدی منابع مشترک مرزی (از جمله آب‌ها و ذخایر ماهی) و استمرار نوآوری و فناوری‌های جدید برای ارتقای بهره‌برداری از منابع طبیعی.

اما در بلندمدت، آنچه اهمیت دارد این است که با یک سیاستگذاری مناسب به سمتی حرکت کنیم که کمبود منابع طبیعی به‌عنوان یک عامل و بستر برای نوآوری تجاری و رشد بنگاه‌ها مطرح شود و به مرور این حلقه از ریسک تبدیل به عامل ایجاد یک رشد جدید و مزیت رقابتی نو شود.

۳-۴. عقب‌نشینی از جهانی‌سازی

با افول قدرت و ظرفیت آمریکا برای رهبری جهان، اقتصادهای نوظهور در حال کسب قدرتی فزاینده در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و نظامی هستند. بنابراین میزان عقب‌نشینی از جهانی‌سازی کاملاً به این بستگی دارد که اقتصادهای نوظهور تا چه اندازه حاضرند از سیستم بین‌المللی موجود (که باعث رشد خود اینها شده) حمایت کنند.

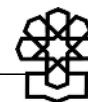
در حال حاضر مشکلات اقتصادی در اقتصادهای توسعه‌یافته باعث شده که سیاستگذاران مجبور شوند روش‌های حمایت‌گرایانه و ضدجهانی‌سازی در پیش بگیرند. برخی از بسته‌های تحریک اقتصادی که اخیراً در برخی کشورها اجرا شد شامل برخی سیاست‌های حمایت‌گرایی و محدودیت در مبادلات با خارج بود. مضافاً اینکه بیکاری و نابرابری اقتصادی هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در اقتصادهای نوظهور باعث می‌شود بخش قابل توجهی از مردم از مواهب جهانی‌سازی بی‌بهره بمانند و همین باعث ایجاد ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی و نارضایتی اجتماعی اقتصادی علیه جهانی‌سازی می‌شود. هم‌اکنون نیز برخی نشانه‌های زودهنگام از این نوع سیاست‌های ضدجهانی‌سازی در اروپا (در قالب پیروزی احزاب مخالف جهانی‌سازی)، آمریکا (تی پارتی)^۱ و برخی اقتصادهای نوظهور در شمال آفریقا و پررنگ شدن شعارهای ملی‌گرایی اقتصادی و ضد مهاجرت به چشم می‌خورد.

۳-۵. سلاح‌های کشتار جمعی

هیچ‌کس درباره تأثیر بسیار زیاد سلاح‌های کشتار جمعی شک ندارد اما مباحث زیادی درباره تحقق این ریسک و به وقوع پیوستن آن مطرح شده است. سلاح‌های بیولوژیک، شیمیایی، هسته‌ای و رادیولوژی از دو طریق ممکن است استفاده شوند: فعالیت‌های تروریستی و منازعات ژئوپلیتیک. در هر دو صورت شکست در مدیریت جهان علت بروز چنین ریسک‌هایی می‌باشد. هرچند سلاح‌های کشتار جمعی دایره وسیعی دارد اما آنچه بیشتر از همه نگرانی کارشناسان را برانگیخته گسترش استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در میان کشورها و حتی برخی گروه‌های مستقل و در ادامه پتانسیل استفاده از سلاح‌های بیولوژیک است.

رژیم‌های کنترل سلاح‌های کشتار جمعی و به‌خصوص سلاح‌های هسته‌ای و همچنین استفاده غیرنظامی از فناوری هسته‌ای به طرز عجیبی در سطح دنیا موفق عمل کرده است. برخلاف ترسی

۱. جنبش تی پارتی در آمریکا به فعالیت‌های پوپولیستی، برداشتی اصیل از قانون اساسی آمریکا و شعارهایی همچون کاهش مالیات‌ها، کاهش هزینه‌ها و بدهی‌های دولت آمریکا مشهور است.



که در دهه ۶۰ میلادی از گسترش سلاح‌های اتمی وجود داشت، درحال حاضر تنها چند کشور انگشت‌شمار دارای زرادخانه‌های هسته‌ای هستند. حتی کشورهایی مانند لیبی و آفریقای جنوبی نیز هرگونه برنامه یا هدفگذاری برای دستیابی به سلاح اتمی را تکذیب می‌کنند.

کنفرانس بررسی معاهده ان پی تی در می ۲۰۱۰ نیز نشان داد که موفقیت‌های بزرگی در این زمینه به دست آمده است. با این حال شرایط توسعه فناوری هسته‌ای در میان کشورها پایدار نیست، چرا که تمایل زیادی در بین کشورها برای استفاده از برق هسته‌ای وجود دارد. هرچند این تکنولوژی به خودی خود یک خطر محسوب نمی‌شود اما ریسک استفاده دوگانه از این تکنولوژی همواره وجود دارد. این مسئله نیز ضعف و شکست در مدیریت مسائل جهانی انرژی را نشان می‌دهد.

در همین حال، تأخیر در تصویب پیمان استارت جدید، خطر تجدید منازعات میان آمریکا و روسیه را افزایش می‌دهد و انگیزه‌های موجود برای مقابله با گسترش سلاح‌های کشتارجمعی را کاهش می‌دهد ضمن آنکه نگرانی‌های تکراری در مورد فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی و نااطمینانی در مورد برنامه‌های ایران همچنان برجای خود می‌مانند. ضمن آنکه موانع تکنولوژیک بر سر راه تولید و انتقال سلاح‌های کشتارجمعی کاهش یافته و انتقال غیرقانونی تکنولوژی به خصوص در زمینه هسته‌ای بارها و بارها اتفاق افتاده است.

براساس نظر برخی کارشناسان، ریسک دریافت سلاح‌های کشتارجمعی توسط برخی گروه‌های مستقل و تمایل آنها برای به‌کارگیری این سلاح‌ها بسیار جدی و رو به افزایش است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بخش‌های مختلف این گزارش نشان دادند برای حل مسئله ریسک‌های جهانی به ظرفیت‌هایی جدید برای تحلیل آنها نیاز داریم و باید مکانیسم‌های رسمی و غیررسمی در سطح جهانی برای مواجهه با آنها ایجاد شود.

نکات زیر برای ایجاد این ظرفیت باید مورد توجه قرار گیرند:

اولاً ارتباط متقابل میان ریسک‌ها مستلزم آن است که به بستر^۱ هر ریسک و سیستم فعال در ورای هر ریسک توجه جدی شود. به‌طور مثال، دیگر نمی‌توان تنها در فضای تجاری به بررسی ریسک‌های عملیاتی پرداخت یا چالش‌های امنیت ملی را تنها در فضای یک کشور واکاوی کرد. یکی از مؤلفه‌های کلیدی در واکنش مناسب به یک ریسک، (مشابه آنچه در این گزارش انجام شد)

شناخت نقاط اتصال (گره) ریسک‌ها به یکدیگر است.

دوم اینکه در شرایطی که ریسک‌ها به روش‌های مختلف در سطوح ملی و بین‌المللی اثر خود را می‌گذارند، یکی از چالش‌های موجود در مواجهه با آنها، ایجاد هماهنگی میان ذینفعان در سطح ملی و بین‌المللی بوده است. اگر دقت کنید، مشاهده خواهید کرد که با هیچ یک از ریسک‌هایی که در این گزارش به آنها اشاره شد به تنهایی و بدون یک همکاری بین‌المللی نمی‌توان مواجهه کرد. باید برای ارزیابی ریسک‌ها یک چارچوب مشارکتی و چندذینفعی ایجاد کرد (که هم بتواند منافع همه را در نظر بگیرد و هم مسئولیت‌ها را تقسیم کند).

سوم اینکه، علیرغم نوسانات و تحولات رو به رشد در جهان، عموماً این وسوسه وجود دارد که تنها به ریسک‌هایی توجه شود که اخیراً به وقوع پیوسته‌اند درحالی که برای ارزیابی و واکنش مناسب به ریسک باید نگاه بلندمدت داشت؛ چرا که برخی ریسک‌ها طی چندین دهه بروز کرده و ظاهر می‌شوند. یکی از دلایلی که در این گزارش روند ده سال آینده مورد توجه قرار گرفته همین موضوع می‌باشد. برای آنکه مطمئن شویم واکنش‌های ما به ریسک‌ها به اندازه کافی کارآ و اثربخش هستند نیازمند تعهدات بلندمدت هستیم.

به همین ترتیب، واکنش مناسب به ریسک‌های اصلی در جهان (تابرابری اقتصادی و شکست در مدیریت مسائل جهانی) نیازمند اطمینان از اثربخشی واکنش‌ها و همچنین انعطاف‌پذیری در سطح جهانی می‌باشد. این دو ریسک سرمنشأ هر سه حلقه ریسک درجه دوم (عدم تعادل‌های اقتصاد کلان، اقتصاد غیرقانونی و حلقه آب، غذا و انرژی) است که در این گزارش به تفصیل در مورد آنها بحث شد. در شرایطی که نمی‌توان پیش‌بینی قابل اطمینانی از چگونگی توسعه و اثرگذاری ریسک‌ها در بلندمدت انجام داد بهترین راه این است که بر این دو ریسک متمرکز شد و برای واکنش مناسب به آنها سرمایه‌گذاری کرد؛ چرا که اگر این دو ریسک مهار شوند این امیدواری وجود دارد که سایر ریسک‌ها نیز مهار شوند.

با این حال باید گفت حتی با بهترین روش‌های تحلیل و پیش‌بینی نیز هرگز نمی‌توان همه ریسک‌ها را پیش‌بینی و برای مواجهه با آنها کسب آمادگی کرد. در دنیایی که دائماً به هم پیوستگی‌های آن درحال افزایش است، حجم انبوهی از ریسک‌ها وجود دارد که فراتر از توان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی تصمیم‌گیران و متخصصان ریسک است.

برای کسب آمادگی جهت مواجهه با این ریسک‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌هایی که در این محیط ایجاد می‌شود، سازمان‌ها و تصمیم‌گیران باید به سرمایه‌گذاری در جهت افزایش ظرفیت تطابق‌پذیری و آموزش و در نتیجه انعطاف سیستمی ادامه دهند. ما نیز امیدواریم گزارش حاضر سهمی در رسیدن به این هدف داشته باشد.



۱. تعریف ریسک جهانی

یک تهدید زمانی یک «ریسک جهانی» محسوب می‌شود که شرایط زیر را داشته باشد:
حوزه تأثیر: بر حداقل سه منطقه از دو کشور مختلف دنیا اثر بگذارد، هرچند که منشأ آن منطقه‌ای و حتی محلی باشد.

تأثیر بر صنایع: حداقل بر سه صنعت اثر بگذارد.

عدم اطمینان: باید در ارتباط با وقوع آن طی ده سال و میزان تأثیر آن نااطمینانی وجود داشته باشد.

اثر اقتصادی: باید خسارتی حداقل معادل ۱۰ میلیارد دلار برجای بگذارد.

رویکرد چنددینفعی: پیچیدگی آن در حدی باشد که مقابله با آن نیازمند رویکرد چند دینفعه باشد.

۲. روش‌شناسی

برای تهیه این گزارش از نظرات متخصصین، مدیران تجاری و سیاستگذاران استفاده و از آنها خواسته شد ادراکشان را از احتمال وقوع و میزان اثرگذاری ۳۷ ریسک (که در قالب ۵ گروه تقسیم شده بودند) طی ده سال آینده (۲۰۱۰-۲۰۲۰) بیان کنند که در مجموع ۵۸۰ پاسخ صحیح دریافت شد. همچنین افراد باید در مورد هر ریسک، حداکثر ۶ ریسک دیگر را که با ریسک مورد نظر ارتباط متقابل داشتند انتخاب می‌کردند و اگر موضوع/عامل جدیدی به مطالعه اضافه می‌کردند، با بررسی‌های آماری اعتبار آن سنجیده می‌شد.

نکته مهمی که باید توجه داشت این است که لزوماً ادراک یک ریسک با اثر واقعی آن یکسان نمی‌باشد و به همین دلیل و برای اصلاح اریب‌های موجود تلاش شد تا بازه ده‌ساله در نظر گرفته شود و از نظردهندگان خواسته شد تا با تبادل نظر با دیگران در قالب ۱۸ کارگاه و تعداد زیادی جلسات انفرادی به جمع‌بندی دقیقی برسند.

۳. رتبه‌بندی ریسک‌ها از نظر احتمال وقوع و میزان اثرگذاری

بررسی داده‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان ریسک‌هایی را که به‌طور ناگهانی اتفاق می‌افتند خطرناک‌تر از ریسک‌هایی می‌دانند که مستمراً وجود دارند. البته این یک خطایی است که همواره در ادراک از ریسک وجود دارد به‌طوری که افراد خطر ریسک‌های دائمی و معمول را کمتر از آنچه هست و خطر ریسک‌های ناگهانی که شوک‌زا هستند را بیش از آنچه هست در نظر

می‌گیرند. البته استثنائاتی هم وجود دارد، مثلاً «تغییرات آب و هوایی» که عموماً یک ریسک دائمی است به‌عنوان بالاترین ریسک از نظر احتمال وقوع و میزان اثرگذاری تعیین شده است. دو ریسک «نابرابری اقتصادی» و «شکست در مدیریت مسائل جهانی» (که طبیعتاً دائمی دارند) نیز دارای رتبه‌های بالایی هستند. جدول زیر این رتبه‌بندی را نشان می‌دهد:

جدول ۵. مهمترین ریسک‌ها از نظر احتمال وقوع و میزان اثرگذاری

(احتمال وقوع × میزان اثرگذاری)

رتبه	عنوان ریسک	رتبه	عنوان ریسک
۱	تغییرات آب و هوایی	۶	نوسان‌های شدید قیمت انرژی
۲	بحران‌های مالی	۷	نزاع‌های ژئوپلیتیک
۳	نابرابری اقتصادی	۸	فساد اقتصادی
۴	شکست در مدیریت مسائل جهانی	۹	سیل
۵	طوفان‌ها و گردبادها	۱۰	امنیت آب

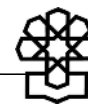
۴. بررسی ریسک‌ها از نظر ارتباط متقابل با یکدیگر

یکی از نکات کلیدی برای بررسی ریسک‌ها میزان ارتباط متقابل میان ریسک‌ها و میزان اثرگذاری ریسک‌ها بر یکدیگر است. جدول زیر ده ریسکی که دارای قوی‌ترین اثر بر سایر ریسک‌ها هستند را نشان می‌دهد:

جدول ۶. مهمترین ریسک‌ها از نظر متوسط قدرت ارتباط متقابل

رتبه	عنوان ریسک	رتبه	عنوان ریسک
۱	نابرابری اقتصادی	۶	امنیت غذایی
۲	شکست در مدیریت مسائل جهانی	۷	شکست رگولاتوری
۳	نزاع‌های ژئوپلیتیک	۸	تغییرات آب و هوایی
۴	دولت‌های شکننده	۹	بحران‌های مالی
۵	فساد اقتصادی	۱۰	سقوط قیمت دارایی‌ها

طبق بررسی‌ها، «نابرابری اقتصادی» و «شکست در مدیریت مسائل جهانی» بیشترین ارتباطات متقابل را داشته و به همین دلیل در شکل و تحلیل‌های ارائه شده در گزارش مرکز قرار گرفته‌اند. از نکات جالب توجه در این مطالعه این است که ارتباط متقابل این دو ریسک با سایر ریسک‌ها، از دو الگوی متفاوت پیروی می‌کند. «شکست‌ها در مدیریت مسائل جهانی» به‌طور مستقیم بر تعداد زیادی ریسک اثر می‌گذارد و بیشتر باعث ایجاد آنهاست. اما «نابرابری اقتصادی» با تعداد کمتری از



ریسک ارتباط متقابل دارد، اما این ارتباط قوی‌تر و کاملاً دوطرفه است. نکته قابل توجه دیگر این است که ریسک‌های اجتماعی اثر بیشتری بر سایر ریسک‌ها دارند درحالی که رسانه‌ها بیشتر بر ریسک‌های اقتصادی و ژئوپالیسیک تمرکز دارند.

۵. تفاوت ادراک ریسک در پاسخ‌دهندگان

بررسی پاسخ‌ها نشان می‌دهد که نوع فعالیت و موقعیت جغرافیایی پاسخ‌دهندگان تأثیر زیادی بر ارزیابی آنها از ریسک‌های ارائه شده در مطالعه دارد به طوری که هر گروه ریسک‌های موجود در حوزه خود را مهمتر و خطرناکتر ارزیابی می‌کند. به طور مثال مدیران تجاری، ریسک‌های اقتصادی و مدیران دولتی و سازمان‌های بین‌المللی ریسک‌های اجتماعی را مهمترین ریسک‌ها دانسته‌اند. نکته جالب توجه این است که مقایسه پاسخ‌های دریافت شده از متخصصان کشورهای گروه بریک (برزیل، روسیه، چین و هند) با کشورهای OECD نشان می‌دهد علیرغم آنکه این کشورها بیشتر در معرض بسیاری از ریسک‌ها هستند، اما احتمال وقوع و میزان تأثیر ریسک‌ها را پایین‌تر از پاسخ‌دهندگان از OECD ارزیابی کرده‌اند. این نشان می‌دهد که اقتصادهای نوظهور آمادگی بیشتری برای مواجهه با ریسک‌ها دارند.

همه پاسخ‌دهندگان از مشاغل مختلف و مناطق مختلف جغرافیایی اهمیت یکسانی برای «نابرابری اقتصادی» قائل شدند. پاسخ‌دهندگان آسیایی و آمریکای شمالی عمدتاً نگران «ریسک‌های زیست‌محیطی» بودند درحالی که اروپایی‌ها «ریسک‌های اجتماعی» را مهمترین مورد اعلام کرده‌اند.

۶. ریسک‌های بالقوه آینده

چهار ریسک در مطالعه سال ۲۰۱۱ چندان مورد توجه پاسخ‌دهندگان قرار نگرفتند و اهمیتشان (به دلایل مختلف از جمله فقدان اطلاعات فنی کافی) پایین ارزیابی شد اما ممکن است در آینده تبدیل به موضوعاتی حیاتی شوند:

امنیت فضایی: ضعف رگولاتوری در فعالیتهای نظامی و تجاری در جو بالای زمین و تنش‌های ژئوپالیسیک و خسارت‌های اقتصادی ناشی از آن.

رشد کند اقتصاد چین: ثبات اقتصاد چین در شرایط بحران جهانی اقتصاد، باعث شد که احتمال وقوع این ریسک کم ارزیابی شود. اما مسئله این است که رشد اقتصاد چین محرک اقتصادهای بسیاری در جهان بوده و کند شدن حرکت آن مشکلات بسیاری هم در خود چین و هم در سایر نقاط دنیا ایجاد می‌کند.

مدیریت اقیانوس‌ها: این مسئله نیز به دلیل کاهش ذخایر ماهیان و احتمال ایجاد اختلاف در محدوده‌های حاکمیتی کشورها به یک ریسک تبدیل خواهد شد.

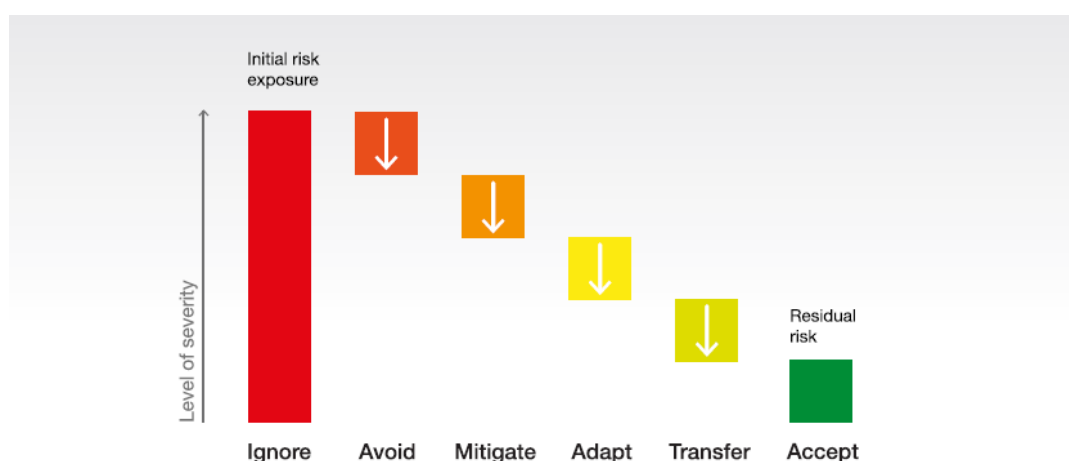
تهدیدهای ناشی از فناوری‌های جدید: هرگونه آسیب به انسان، حیوانات و محیط زیست که در اثر به‌کارگیری فناوری‌های نانو، مهندسی ژنتیک و بیولوژیک سنتزی ایجاد شود در این گروه از ریسک قرار می‌گیرد. هرچند به دلیل وجود رگولاتوری‌های قوی احتمال وقوع این ریسک‌ها پایین است اما اثرگذاری آنها بسیار بالاست.

۷. راهبردهای مواجهه با ریسک‌ها

هرچند این گزارش به دنبال ارائه راهبردهای مواجهه با ریسک‌ها نیست، اما شکل زیر می‌تواند ایده‌های مناسبی در این زمینه به دست دهد: اگر کل ریسک را ستون سمت چپ در نظر بگیریم با پنج راهبرد می‌توانیم به این ریسک واکنش نشان دهیم و با هر یک بخشی از آثار آن را کاهش دهیم:

۱. دوری و فرار از ریسک (مانند خروج یک شرکت از مناطق زلزله‌خیز)،
۲. کاهش آثار ریسک (تلاش برای کاهش احتمال وقوع و میزان اثرگذاری ریسک)،
۳. ایجاد تطابق (مثل ارتفاع دادن به خانه‌های مسکونی بر سر راه سیل)،
۴. انتقال ریسک (مانند بیمه کردن فعالیت‌های اقتصادی)،
۵. پذیرش ریسک باقیمانده (باید مقدار باقیمانده از ریسک را پذیرفت و برای مواجهه با آن آمادگی لازم را کسب کرد).

شکل ۶. راهبردهای مواجهه با ریسک





منبع و مأخذ

World Economic Forum. Global Risks 2011, Sixth edition. www.weforum.org.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۳۳۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ارزیابی ریسک‌های جهانی در دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۰

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه حقوق و اقتصاد)

مترجم: فاضل مریدی فریمانی

ناظر علمی: سیداحسان خاندوزی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی: _____

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱/۲۶